

پرتوستان

رضا قلی خان هدایت (۱۲۸۸ - ۱۲۱۵ ق)
مقدمه و تصحیح: حسین نصیرباغبان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه	هدایت، رضاقلی بن محمد هادی، ۱۲۱۵ - ۱۲۸۸ ق.
عنوان و نام پدیدآور	پرتوستان / رضاقلی خان هدایت ؛ مقدمه و تصحیح حسین نصیرباغبان.
مشخصات نشر	تهران: ارمان تاریخ، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۱۰۸ ص.: مصور؛ ۱۴/۵×۲۱ س.م.
فروست	مجموعه عرفان و تصوف؛ ۱.
شابک	978-600-8079-12-5
وضعیت فهرست	فیبا
نویسی	
موضوع	عارفان -- ایران -- قرن ۱۳ ق.
موضوع	Mystics-- Iran -- 19th century:
موضوع	عارفان -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	Mysticism -- Early works to 20th century:
شناسه افزوده	نصیر باغبان، حسین، ۱۳۶۵ - ، مصحح، مقدمه نویس
رده بندی کنگره	۱۳۹۵: ۴۴۰/۲۷۸ BP
رده بندی دیویی	۲۹۷/۸۹۲:
شماره کتابشناسی ملی	۴۶۲۲۶۵۸ :

پرتوستان

رضا قلی خان هدایت

(۱۲۸۸-۱۲۱۵ ق)

مقدمه و تصحیح

حسین نصیرباغبان



پر توستان

مؤلف	رضا قلی خان هدایت
مقدمه و تصحیح	حسین نصیریباغبان
ناشر	ارمغان تاریخ
چاپ اول	تهران، ۱۳۹۶
مجموعه عرفان و تصوف	شماره ۱
شمارگان	۵۰۰
طرح جلد و صفحه آرای	محمود خانی
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۹-۱۲-۵
قیمت	۱۲۰۰۰ تومان
چاپخانه	ارمغان

تمامی حقوق برای مصحح محفوظ است

نشانی ناشر: تهران میدان انقلاب، ابتدای خ کارگر جنوبی، کوچه رشتچی، پلاک ۱۳، واحد ۴

تلفن: ۰۶۶۹۴۶۶۵۶-۰۲۱ همراه: ۰۹۳۶۶۰۶۹۱۲۳

مراکز پخش: تهران: کتابفروشی اختران، کتابفروشی توس، کتابفروشی شفیعی.

اهواز: کتابخانه هدایت؛ تبریز: کتابفروشی آیدین، دزفول: کتابسرای رشد

پست الکترونیک: armaghan.tarikh@gmail.com

فهرست مطالب

مقدمه.....	هفت
شرح احوال مؤلف در ریاض العارفین.....	هفت
تألیفات.....	ده
پرتوستان.....	چهارده
نسخه‌شناسی رساله.....	شانزده
تصحیح و ویرایش رساله.....	هفده

رساله موسوم به

پرتوستان

در احوال متأخرین و بزرگان مشایخ - رحمهم الله -

(۹۰-۱)

نمایه.....	۹۱
احادیث و عبارات عربی.....	۹۳

۹۴	اشعار.....
۹۸	اشخاص.....
۱۰۳	اماکن.....
۱۰۶	طبقات.....
۱۰۷	کتابها.....

مقدمه

آثار و احوال رضا قلی خان هدایت (۱۲۱۵-۱۲۸۸ق) را در بسیاری از تذکره‌ها و کتب می‌توان دید و به همین دلیل، مصحح به تکرار مکررات نپرداخته و به بازخوانی زندگی نامه خودنوشت او در *ریاض العارفین* و شرح مختصری از احوال وی که در کتاب *طرائق الحقایق* آمده، اکتفا کرده است.

شرح احوال مؤلف در ریاض العارفین

... ولادت هدایت در شب پانزدهم شهر محرم الحرام تخمیناً ساعتی قبل از طلوع فجر در سنه هزار و دویست و پانزده در دارالخلافت طهران واقع گردید. والدش از اعیان قریه چارده من مضافات دامغان و از

مبادی شباب ملازمت پیشه نموده و در حضرت قهرمان ایران، محمدشاه قاجار - انارالله برهانه - به منصب خزینه‌داری، محسود اقران بوده. پس از انتقال آن دولت به حضرت سلطان صاحبقران و خدیو زمان شاهنشاه ایران، فتحعلیشاه، متخلص به خاقان، در آن دربار معدلت آثار به منصب مذکور مفتخر و حسب‌الامر، مأمور به خدمتگذاری فرمانفرمای مملکت فارس شده، به شیراز آمده تا در سنه ۱۲۱۸ وفات یافت و به عالم عقبی شتافت و نعشش را به عتبات عالیات نقل کردند و خان ذی‌شان محمد مهدی خان بنا بر نسبت در تربیت بازماندگان کوشید و جدّ و جهد بلیغ مرعی داشت و همّت به مراقبت حال این حقیر گماشت.

پس از چند گاهی، والدۀ حقیر نیز به حکم استطاعت، محرم حرم مکۀ معظمۀ مکرمه شد و بالاخره در مدینه طّیبه وفات یافت و در مقبرۀ بقیع مدفون شد.

فقیر از صغر سن، طبعم به معلومات و منظومات راغب و استحضار از اطوار و اشعار اهل کمال را طالب و به حسب ذوق فطری در بستان سخن موزون زبان گشاده و اندک‌اندک پا به دایرۀ نظم نهاده. روزگاری چند نیز به حکم وراثت، ملازمت نمود. عاقبت با خود، ستیزان و از خدمت گریزان، در کنج عزلت پا به دامن کشید. همگان

را کارش شگفت آمده و هر یک در این کار رایبی زده، درباره‌ی وی سخنان مختلفه راندند. بعضی دیوانه و برخی فرزانه خواندند. فقیران گفتند که جذبه‌اش رسیده و امیران گفتند فقیری گزیده. یکی هم‌تش را عالی و یکی طبعش را لابلالی شمرد و انصاف آن است که به مضمون این لطیفه که: «هر کس خویش را بهتر شناسد» فرزانه گفتنش قولی و دیوانه خواندنش اولی است.

وی جوانی است تیره روزگار و غفلت کردار. از صحبت اهل ظاهر رمیده و به حالت اهل باطن نرسیده. خود پندارد که از اهل سلوک و فارغ از اندیشه‌ی میر و ملوک است و هر دو طایفه را از صحبتش عار و بر مصاحبتش انکار. در عین جوانی دعوی پیری، با همه در میان و لافش گوشه‌گیری. خود پندارد که هم‌تش بلند است و نداند که چون خودپسند است. گاهش شوق صحبت پیران و گاهی میل الفت جوانان. مجازش قنطره حقیقت گشته، اما از قنطره نگذشته. طبعش چون طمعش خام و گفتارش چون کردارش ناتمام. تخلّصش هدایت و رسمش به خلاف اسمش غوایت. از طریق هدی به نامی قانع، و غرور اسمش از مسمی مانع.

اکنون که سنه ۱۲۶۰ سنین عمرش به چهل و پنج است و حاصل آن درد ورنج. آری:

امروز بر یقین و گمانم ز عمر خویش

دانم که چند رفت و ندانم که چند ماند

تألیفات

مثنوی در بحر رمل موسوم به هدایت نامه و مثنوی موسوم به گلستان ارم و مثنوی موسوم به انیس العاشقین و مثنوی موسوم به بحرالحقایق به رشته نظم کشیده و کتاب موسوم به مظاهر الانوار و مثنوی انوار الولاية و مثنوی خرم بهشت و فهرست التواریخ و منهج الهدایه و مفتاح الكنوز و ریاض العارفين و مدارج البلاغه و مجمع الفصحاء و سه جلد روضة الصفا و لطایف المعارف و رساله موسوم به جامع الاسرار و دیوان غزلیات هشت هزار بیت ترتیب داده و قصاید زیاده از ده هزار بیت جمع کرده و در این عرض مدت، به خدمت جمعی از عرفا و حکماء و شعرا فیض یاب و به قدر استعداد از هر خرمی خوشه ای یافته...^۱

صاحب طرائق الحقایق:

امیر الشعراء رضاقلی خان هدایتعلی. فخر الادباء، تذکرة العرفاء، امیر

۱. ریاض العارفين، رضاقلی خان هدایت، ص ۷۵۴ و ۷۵۵.

الشعراء، رضا قلی خان، گوش مادر گیتی، همالش نشنیده و دیده
روزگار، مثالش کمتر دیده، چنانچه نشاطی در مدح وی گفته:

تا که شعر ایجاد شد، آمد دو شاعر در وجود

امرؤ القیس از عرب، خان هدایت در عجم

و قآنی راست:

نائب السلطنه را کیست اتابک دانی

آنکه صد گنج نهانیش نهان در دولب است

جوهر فضل هدایت که سراپای جهان

ز آتش فکر فروزنده او ملتهب است

و میرزا سید محمد شمس الادباء راست:

به عهد خویش از این پیش تا به عشر دهم

ندیده چشم خرد ناشنیده از هشیار

چو ذات پاک هدایت یگانه شخص کمال

عمید فضل و عماد هنر، جهان وقار

و سلطان کرمانشاهانی حسینی خان بن مصطفی قلی خان کلهر،

قصیده در مدح او انشا نموده، از آن است:

الهام خدا سزد سخندان را
 تا مدح کند رضا قلیخان را
 فرهنگ خرد که نام میموش
 برهان هدایت است ایمان را
 یکتا گهر وجود مسعودش
 شد زیب صدف چهار ارکان را
 هنرمندان سخندان هر دیار، زبان دلشان گوید: هر زمان انت الذی
 احینا، و درویشان بی نشان گوشه نشین با لسان حال بدین مقال مترنم:
 تو را عالم در این عالم دگر عالم ثنایت را
 زبان جز این زبان شاید، دهان جز این دهان باید
 و الحق در احیای نام عرفا و شعرای متأخرین، حق عظیم دارد،
 چنانچه ریاض العارفینش شاهی است صادق و مجمع الفصاحیش در
 جمع شعرا برهانی است ناطق و اصول الفصولش فی حصول الوصول
 پروانه ای است عاشق.
 و جناب مستعلی شاه در کتاب ریاض السیاحه، ترجمه خان را
 مختصری فرموده و خلاصه احوالات جنابش به عنوان هدایت
 طبرستانی خود در مجمع الفصحاء و ریاض العارفین ترجمه نموده و در

اصول الفصول، ارادت خود را به حضرت شروانی ثابت فرموده، چنانچه در صدر ترجمه جناب مستعلی شاه، بعبارتی سبق ذکر یافت. و صور اسماء کتب مؤلفه آنجناب، نظماً و نثراً، در اول کتاب ریاض العارفین با شمایلش طبع نموده‌اند.

ولادتش در طهران، نیمه محرم الحرام هزار و دویست و پانزده بوده و قرب سی سال به شیراز می‌بوده. وفات نیز به طهران، ماه ربیع الاول سال هزار و دویست و هشتاد و هشت است، چنانچه این بیت بر لوح مزارش از جمله اشعار مرحوم میرزا محمود خان ملک الشعرا منقور:

همی‌بدانی تاریخ رحلتش بدرست

دوازده چو کنی از هزار و سیصد کم
مدفنش در تکیه مخصوص که فرزندان پاک گوهرش وزیر
بی‌نظیر علیقلیخان مخبرالدوله وزیر علوم، و جناب جعفرقلیخان
نیرالملک بنا نموده‌اند، واقع و مقام با فیض است که داخل شهر طهران
و در شمال آنجا واقع است سمت دروازه دولت و همه ساله در رثای
خامس آل عبا ده روز بازماندگانش مجلس خلد مونس منعقد
می‌نمایند و مردمان تبرعات برند و الحق خانواده آن مرحوم را در
نیکی فطرت و علو همت ماندنی نیست و زیاده بر این در وصف آن
خانواده در ترجمه اخلاف بی‌خلاف مکارم و محامد اوصاف آن

جناب که راقم را به مضمون «الحب يتوارث» با آنها محبت موروثی در میان است، گفته آید - بعونه تعالی.^۱

پرتوستان

رضاقلی خان هدایت، تذکره پرتوستان را در پنجاه و شش پرتو، در حکایات و مطالب مربوط به عرفا و صوفیه روزگار خود که با آنان، نشست و برخاست داشته، به سال ۱۲۸۲-۱۲۸۳ قمری در تبریز تألیف کرده است. مؤلف در آغاز رساله، ذیل هر پرتو، به بررسی احوال یک نفر از عرفاء و صوفیه پرداخته که خود با آنان مراوده و حشر و نشر داشته، یا توسط نزدیکان و دوستان، از احوال آنان مطلع بوده است. از پرتو سی ام به بعد، به بررسی احوال میرزا ابوالقاسم شیرازی مشتهر به سکوت می پردازد و در ضمن آن، به سیر و سلوک خود و رفت و آمد به مجالس میرزای مذکور اشاره می کند. رساله پرتوستان از پرتو سی ام، شیوه ای تازه پیدا می کند، به طوری که مؤلف تا پایان رساله، به بیان ارادت خود و بزرگان زمان به میرزای نامبرده و ذکر فضایل او می پردازد.

۱. طرائق الحقایق، جلد سوم، ص ۲۹۶ و ۲۹۷.